

The Role of Non-Governmental Organizations in Realizing the Responsibility of Governments in the Field of Economic Development in Jurisprudence and Law

Mahsa Fahimi Azad¹, Soheil Soheily Najafabad^{2*}, Mohsen Dianat³

1. Ph.D Student of Public International Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.
2. Assistant Professor of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.
3. Associate professor of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:1-16

Article history:

Received: 05 Mar 2024

Edition:04 Apr 2024

Accepted: 18 Jun 2024

Published online: 27 Sep 2025

Keywords:

Non-Governmental Organizations, Economic Development, Responsibility, Government.

Corresponding Author:

Soheil Soheily Najafabad

Address:

Iran, Qeshm, Islamic Azad University, Qeshm Branch, Department Of Law.

Orchid Code:

0000-00017573-7857

Tel:

09123053996

Email:

Soheil.soheily@gmail.com

ABSTRACT

Background and purpose: Non-governmental organizations have now found a major place in development because the aforementioned organizations can help the government sector in development matters process. Accordingly, the aim of this article is the role of non-governmental organizations in fulfilling the responsibility of governments in the field of economic development in jurisprudence and law.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical, and data collection was used to collect data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: From a jurisprudential point of view, the government is responsible and committed to economic development. From this point of view, creating employment, construction and settlement, the market are the most important responsibilities of the government in the process of economic development. Non-governmental organizations are one of the creations of jurisprudence, but in jurisprudence regarding the role and participation of people in economic development, it has been emphasized in verses and traditions that this participation can be done in the form of non-governmental organizations in the current era. From a legal point of view, the duty of the government in economic development and the necessity of people's participation in this field have been specified in various principles of the constitution.

Conclusion: Considering the positive approach of jurisprudence and law towards people's market in economic development, it is necessary to provide the ground for the active presence of non-governmental organizations to play an effective role in economic development.

Cite this article as:

Fahimi Azad, M; Soheily Najafabad, S; Dianat, M; . *The Role of Non-Governmental Organizations in Realizing the Responsibility of Governments in the Field of Economic Development in Jurisprudence and Law* . Economic Jurisprudence Studies. 2025.



نقش سازمان‌های غیردولتی در تحقق مسئولیت دولت‌ها در زمینه توسعه اقتصادی در فقه و حقوق

مهسا فهیمی آزاد^۱، سهیل سهیلی نجف‌آباد^{۲*}، محسن دیانت^۳

۱. دانشجوی دکترای تخصصی، رشته حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۳. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سازمان‌های غیردولتی در حال حاضر جایگاه عمده‌ای در توسعه پیدا کرده‌اند؛ زیرا سازمانهای مذکور می‌توانند با ایفای نقش‌های مختلف بخش دولتی را در امور توسعه یاری دهند و به طور مؤثری در فرآیند توسعه عمل کنند. بر همین اساس هدف مقاله حاضر نقش سازمان‌های غیردولتی در تحقق مسئولیت دولت‌ها در زمینه توسعه اقتصادی در فقه و حقوق است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: از منظر فقهی، دولت مسئول و متعهد به توسعه اقتصادی است. از این منظر، ایجاد اشتغال، عمران و آبادی، ایجاد ثبات اقتصادی، ایجاد عدالت و عدم تبعیض و توازن اقتصادی و تنظیم بازار مهمترین مسئولیت‌های دولت در فرآیند توسعه اقتصادی است. سازمان‌های غیردولتی از مستحدثات فقهی است؛ اما در فقه در خصوص نقش و مشارکت مردم در توسعه اقتصادی در آیات و روایات تأکید زیادی شده است که این مشارکت در عصر حاضر می‌تواند در قالب سازمان‌های غیردولتی انجام شود. از منظر حقوقی نیز در اصول مختلف قانون اساسی و برنامه‌های پنج سال توسعه، وظیفه دولت در توسعه اقتصادی و ضرورت مشارکت مردم در این زمینه تصریح شده است.

نتیجه: با توجه به رویکرد مثبت فقه و حقوق نسبت به مشارکت مردم در توسعه اقتصادی، لازم است زمینه حضور فعال سازمان‌های غیردولتی جهت ایفای نقش تاثیرگذار در توسعه اقتصادی فراهم گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

واژگان کلیدی:

سازمان‌های غیردولتی، توسعه اقتصادی، مسئولیت، دولت.

نویسنده مسئول:

سهیل سهیلی نجف‌آباد

آدرس پستی:

ایران، قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قشم، دانشکده حقوق.

تلفن:

09123053936

کد ارکید:

0000-00017573-7857

پست الکترونیک:

Soheil.sheily@gmail.com

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر نقش سازمان‌های غیر دولتی در اداره امور جوامع افزایش یافته و فعالیت این سازمان‌ها به طور روز افزونی تشدید می‌شود. یکی از دلایل پیدایش سازمانهای غیر دولتی، ناکارآمدی سازمانهای دولتی در انجام برخی از امور جوامع بوده. است از آنجا که محدودیت منابع و بی‌انتهای بودن نیازهای، بشر ایجاب می‌کند که کارآیی مصرف منابع موجود به طور مداوم بهبود یابد سازمانهای خصوصی و سپس دولتی در سالهای اخیر به طور چشمگیری برای کارآمدی هرچه بیشتر، به کارآفرینی سازمانی روی آورده‌اند و موجبات توسعه پایدار جوامع را فراهم نموده‌اند در هر حال؛ سازمان‌های غیردولتی در سراسر جهان گسترش چشمگیری یافته‌اند و توانسته‌اند مشارکت افراد جامعه را در فرآیند توسعه تقویت نمایند. در واقع، یکی از ابزارهای اساسی کاهش تمرکز قدرت، گسترش مشارکت و افزایش توانمندی اجتماعات محلی ایجاد و توسعه‌ی تشکلهای مردمی و انجمن‌های محلی است. «سازمان‌های غیردولتی و انجمنهای محلهای فعال اساس دست یابی به مشارکت روز افزون ساکنان محلات و توسعه‌ی پایدار شهر به شمار می‌روند کارکرد ویژه‌ی هر یک از سازمانهای غیر دولتی و تشکلهای داوطلبانه در زمینه‌ی حاکم ساختن عدالت اجتماعی سبب گردیده است که از دیدگاه صاحب نظران و سیاست گذاران به عنوان یکی از بارزترین مصادیق جامعه‌ی مدنی جهت برقراری دموکراسی در شهر و ابزاری مهم برای دست یابی به توسعه تلقی گردند؛ به ویژه در دوره‌ی گذاری که منافع عمومی حیاتی دوباره یافته و کنش و واکنش میان عوامل دولتی و خصوصی در حال تحول است. لیکن با وجود بسیاری از جنبه‌های

مثبت مشارکت مردم در جامعه چنین فرایندی در فرایند توسعه اقتصادی ایران به درستی شکل نگرفته است. با آن که در ایران پیشینه‌ی فعالیت‌های دسته جمعی و گروهی برای حل مسائل و مشکلات اجتماعی به چند قرن گذشته باز می‌گردد، لیکن انجمن‌ها و سازمانهای غیر دولتی نقش مؤثری در افزایش مشارکت شهروندان و تصمیم‌گیری‌های مربوط به توسعه اقتصادی ندارند. مشارکت شامل دخالت مردم در تمام ابعاد سیاست‌گذاری اولویت‌بندی، نظارت، اجرا، پی‌گیری و کلیه مراحل توسعه است که فعالیت در قالب سازمان‌های غیردولتی از جمله بازترین اشکال آن است. برای مشارکت مردم و سازمان‌های غیردولتی در توسعه اقتصادی ابتدا لازم است بسترهای فقهی و حقوقی آن تبیین و تحلیل شود. در واقع لازم است به این سوال مهم پرداخته شود که رویکرد فقه و حقوق ایران نسبت به نقش سازمان‌های غیردولتی در تحقق مسئولیت دولت‌ها در زمینه توسعه اقتصادی چگونه است؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از «در فقه بر مشارکت مردم در توسعه اقتصادی تأکید شده که در عصر حاضر این مشارکت می‌تواند در قالب سازمان‌های مردن نهاد صورت گیرد و در حقوق موضوعه نیز بر مشارکت سازمان‌های مردم در فرایند توسعه تأکید زیادی شده است». به منظور بررسی سوال مورد اشاره ابتدا مسئولیت دولت‌ها در زمینه توسعه اقتصادی و نقش سازمان‌های غیردولتی در این خصوص از منظر فقهی و در ادامه از دیدگاه حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

از منظر فقهی، دولت مسئول و متعهد به توسعه اقتصادی است. از این منظر، ایجاد اشتغال، عمران و آبادی، ایجاد ثبات اقتصادی، ایجاد عدالت و عدم تبعیض و توازن اقتصادی و تنظیم بازار مهمترین مسئولیت‌های دولت در فرایند توسعه اقتصادی است. سازمان‌های غیردولتی از مستحدثات فقهی است؛ اما در فقه در خصوص نقش و مشارکت مردم در توسعه اقتصادی در آیات و روایات تأکید زیادی شده است که این مشارکت در عصر حاضر می‌تواند در قالب سازمان‌های غیردولتی انجام شود. از منظر حقوقی نیز در اصول مختلف قانون اساسی وظیفه دولت در توسعه اقتصادی و ضرورت مشارکت مردم در این زمینه تصریح شده است.

۵. بحث

۵-۱. مسئولیت دولت در زمینه توسعه اقتصادی نقش سازمان‌های غیردولتی در این خصوص از منظر فقهی

از دیدگاه اسلامی «توسعه اقتصادی جریانی است که در آن با بهره‌گیری از اندیشه‌های جامع‌گیر و عقلانی برآمده از حقایق هستی و فنون و روشهای علمی پیشرفته از منابع انسانی و ماندنی جامعه در راستای تأمین رفاه بشر و دستیابی به کمال شایسته مقام انسان اقتصاد، بهینه صورت گیرد»

(صدیق اورعی، ۱۳۹۰، ۷۸). در این قسمت به بررسی مسئولیت دولت‌ها در زمینه توسعه اقتصادی نقش سازمان‌های غیردولتی در این خصوص از منظر فقهی پرداخته می‌شود.

۵-۱-۱. مسئولیت دولت در زمینه

توسعه اقتصادی از منظر فقهی

«دولت در جامعه اسلامی، همانند دیگر جوامع بشری، نه تنها بیانگر وجود مجموعه‌ای از نهادهاست، بلکه حاکی از وجود نگرشها و شیوه‌های خاصی از اعمال و رفتار است که منحصراً مدنیت اسلامی خوانده شده و در واقع جزئی از تمدن اسلامی محسوب شود؛ به عبارت دیگر، دولت در فرهنگ اسلامی نه امری تصادفی و اتفاقی است و نه سازمانی انفعالی و بی طرف که بتوان نادیده گرفت، دولت اسلامی دارای برخی مختصات هندسی و ویژگیهای منحصر به فرد است که هر چند به تدریج در طی زمان شکل گرفته‌اند اما فهم کامل شکل و ساخت دولت عمدتاً نیازمند درک نظریه‌های کلامی و فقهی‌ای است که در آن این مختصات هندسی و خصوصیات مندرج هستند» (کدیور، ۱۳۷۶، ۱۵۸-۱۴۱). در نتیجه؛ دولت اسلامی دولتی دینی است که ارزشها و اصول خود را از دین اسلام می‌گیرد؛ لیکن دینی بودن دولت اسلامی هرگز به معنای ایدئولوژیک بودن آن نیست.

یکی از مسئولیت‌های دولت در فرایند توسعه اقتصادی ایجاد اشتغال یا دست کم ایجاد زمینه اشتغال است. «وظیفه دولت فقط حفظ امنیت داخلی و پاسداری از حقوق مالکیت افراد نیست؛ بلکه دولت همان طور که وسیله‌ای برای ارائه خدمت به مردم و رساندن حق به صاحبان آن است، مسؤول تحقق پیشرفت و اشتغال در جامعه نیز شمرده می‌شود و این کار را با فراهم کردن

فرصت‌های کار و تأمین معیشت افراد از طریق تأسیس مؤسسات عمومی و راه اندازی پروژه‌های صنعتی و کشاورزی انجام می‌دهد. پروژه‌هایی که به افزایش ثروت عمومی کمک کرده افراد جامعه را در سود آنها شرکت می‌دهد؛ بنابراین دولت اسلامی موظف است با آسان کردن راه‌های سرمایه گذاری، اعطای کمک‌های مالی و تسهیلات اعتباری کشاورزان صنعتگران و بازرگانان را تشویق کند تا زمینها، کشت و صنایع راه اندازی شوند، و بازارها رونق یابند» (العسل، ۱۳۷۸، ۱۸۵-۱۸۴). «مطالعه تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) پس از هجرت و تشکیل حکومت، در همان حال که درگیر جنگ‌های متعدد با مشرکان قریش و یهودیان بود، از گسترش فعالیت‌های اقتصادی مردم غفلت نمی‌کرد حضرت با انجام کارهای گوناگون زمینه اشتغال مسلمانان را فراهم می‌آوردند گاهی با انعقاد قراردادهای مزارع و مساقات بین انصار صاحبان مزارع و باغهای مدینه و مهاجران که شغل و زمینی، نداشتند زمینه اشتغال مهاجران و افزایش بهره‌وری زمین‌های انصار را فراهم می‌کرد و گاهی با واگذاری زمین جهت ساخت بازار و حمام فعالیت‌های تجاری و خدماتی را گسترش می‌داد» (صدر، ۱۳۷۵، ۶۶-۶۷)

عمران و آبادی از دیگر مسئولیت‌های دولت در فرایند توسعه اقتصادی از منظر منابع فقهی است. در آیات ۳۲ تا ۳۴ سوره ابراهیم بر ضرورت استفاده از نعمتهای خداوند در طبیعت تاکید شده است که به نوعی بر ضرورت عمران و آبادانی و توسعه اقتصادی دلالت دارد. مطابق آیات مورد اشاره: «خداوند همان کسی است که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان آبی آورد، و کشتی‌ها را مسخر شما کرد، تا بر صفحه دریا به فرمان او

حرکت کنند و نهرها را مسخر شما ساخت، و خورشید و ماه را که با برنامه منظمی در کارند به تسخیر شما درآورد و شب و روز را مسخر شما کرد و از هر چیزی که از او خواستید نیازمند بودید به شما داد و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد» بر این اساس یکی از اهداف دولت اسلامی در جایگاه خلیفه خدا روی زمین تحقق بخشیدن غایات الاهی و رساندن جامعه به رفاه مطلوب اسلامی و قرآنی است. در این خصوص از پیامبر اسلام (ص) نقل است که: «هر حاکمی که مسؤول امور مسلمانان باشد؛ اما بی شائبه در جهت رفاه و بهروزی آنان نکوشد، با آنان وارد بهشت نخواهد شد» (بخاری، ۱۴۲۲/۱۳۸۰، ج ۱، ۱۲۶). حضرت علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «خداوند آدم علیه السلام را پس از توبه به زمین فرود آورد، تا با نسل او زمین خود را آباد گرداند» (شریف رضی، ۱۴۱۴، خ ۹۰). «آن حضرت برای به فعلیت رساندن وظیفه یاد شده به دست مردم دولت را موظف به آباد کردن زمین می‌نماید. از این رو در ابتدای نامه خود به مالک یکی از وظایف اصلی او را آباد کردن مصر بر می‌شمارد. حکومت علوی با درک توان بخش خصوصی در آباد کردن، زمین مسئولیت عمده دولت را حمایت از این بخش و کاستن از موانع بر سر راه تولید می‌داند از این رو به مالک می‌نویسد که خراج را طوری تنظیم کند که مانع تولید نشود و نسبت به امور بازرگانان و صنعتگران توجه خاصی مبذول داشته، به آنان کمک نماید. امام علی علیه‌السلام برای حمایت از بازار همانند زمان پیامبر (ص) به ساختن بازار اقدام کرد» (حرالعالمی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ۳۰۰).

از دیگر مسئولیت‌های دولت در زمینه توسعه اقتصادی، ایجاد ثبات اقتصادی است. هر کاهش

رفاه ناشی از حداکثر سازی تولید در صورتی پایدار خواهد بود که مبتنی بر شرایط عادلانه به دست آید. در نظر اسلام رشد اقتصادی صرف نمی‌تواند پایدار باشد و به همین دلیل مطلوب هم نیست. آیه ۹ از سوره شریفه روم هشدار می‌دهد که پیش از اینها کسانی بوده‌اند که عمران و آبادی و قدرتشان بیشتر بوده است؛ اما نتوانستند مانع نابودی خود شوند و به خاطر ظلمشان از بین رفته‌اند. این آیه به بیان جوامعی که دارای عمران و آبادی بوده و قدرت اقتصادی‌شان بیش از دیگران بوده؛ اما دچار کفر و در نتیجه ظلم بوده‌اند نابود شده‌اند بی‌گمان این آیات درصدد تخطفه عمران و آبادی نیستند؛ بلکه بیانگر این نکته مهم است که عمران و آبادی بدون عدالت واقعی پایداری را تضمین نمی‌کند بدین ترتیب پیشرفت اقتصادی و رشد تولید کالا و خدماتی می‌تواند رفاه پایدار را به همراه داشته باشد که بر پایه عدالت شکل گرفته باشد.

«مقصود این است که از طریق تأمین سطح زندگی انسانی برای همه اعضای جامعه از راه آموزش صحیح، فراهم ساختن زمینه‌های اشتغال مناسب و تحقق دستمزدهای عادلانه و توزیع مجدد درآمدها و ثروتها از طریق مالیاتهای شرعی و توزیع ثروت‌های انباشته شده از طریق نظام ارث اسلامی، تفاوت‌های فاحش از بین برود و هر کسی به اندازه کمک و خدمتی که به اقتصاد جامعه می‌کند، پاداش یابد» (شاپرا، ۱۳۹۳) «مدینه فاضله اسلامی مدینه ضد تبعیض، است نه ضد تفاوت جامعه اسلامی جامعه تساوی‌ها و برابرها و برادری‌ها است؛ اما نه تساوی منفی بلکه تساوی مثبت تساوی منفی یعنی به حساب نیاوردن امتیازات طبیعی افراد و سلب امتیازات اکتسابی آنها برای برقراری برابری. تساوی مثبت

دائم و چشمگیر در ارزش واقعی پول که معیار عمومی ارزش است، خروج از عدالت و نوعی فساد در روی زمین به شمار می‌رود؛ زیرا این کاهش ارزش پول بر عدالت اجتماعی و رفاه عمومی که از اهداف محوری نظام اسلامی هستند تأثیر زیانباری دارد. مفهوم این مطلب این است که هر نوع فعالیت افراد گروه‌ها یا مؤسسات دولتی که باعث کاهش چشمگیر ارزش پول، شود باید مسأله ای ملی و دارای اهمیت تلقی و با احساس نگرانی با آن برخورد شود. بر دولت اسلامی لازم است سیاستهای پولی مالی و درآمدی سالم داشته باشد و هنگام لزوم کنترل‌های مستقیم مناسب از جمله کنترل‌های قیمت - دستمزد را اعمال کند تا کاهش ارزش واقعی پول را به حداقل برساند و در نتیجه، مانع آن شود که در جامعه، گروهی دانسته یا ندانسته دیگران را مغبون و معیارهای اسلامی صداقت و عدالت در اندازه گیری را نقض کنند.

علاوه موارد مورد اشاره، افزایش رفاه شهروندان از دیگر مسئولیت‌های دولت در زمینه توسعه اقتصادی از منظر فقهی است. «بهبود زندگی مردم و افزایش درآمدها و بهره مندی آنان از بیت المال نیز از وظایف مهم حکومت علوی بود دولت اسلامی نه تنها برای تأمین نیازهای اساسی از کارافتادگان و بازنشستگان و فقرا تلاش میکند بلکه میکوشد تا جامعه اسلامی از رفاه در شأن خود برخوردار باشد» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ۳۲۰). «امام علی (ع) افزایش درآمدهای مردم را حق مردم بر دولت بر می‌شمارد» (شریف رضی، ۱۴۱۴، خ ۳۴)

نکته مهم اینکه در رویکرد، اسلامی کارایی تنها به حداکثر سازی تولید کالاها و خدمات با استفاده از منابع موجود معطوف نیست و فقط رشد اقتصادی را دنبال نمی‌کند در این نگرش رشد و

۵-۱-۲. نقش سازمان های غیردولتی در تحقق مسئولیت دولتها در زمینه توسعه اقتصادی در فقهی

سازمان های غیردولتی یکی از دستاوردهای انسان امروزی است و در صدر اسلام نهادی تحت این عنوان مطرح نبوده است. با این حال وجه بارز سازمان های غیردولتی، مشارکت مردم در توسعه اقتصادی است. بر همین اساس و با توجه به وجه بارز مورد اشاره سازمان های غیردولتی، به نقش مردم در تحقق مسئولیت دولت در توسعه اقتصادی پرداخته می شود. از دید متفکران اسلامی، «اگر حاکم همراه و مهربان باشد انتظارات مردم گسترش می یابد و برای آبادانی و فراهم ساختن اسباب آن فعال تر می شوند؛ در حالی که تجاوز به اموال مردم آنان را از به دست آوردن و بارور کردن ثروت نومید می سازد؛ چه می بینند در چنین، وضعی سرانجام هستیشان را به غارت می برند و آن چه را به دست می آورند از ایشان می ربایند و هر گاه مردم از به دست آوردن و تولید ثروت نومید شوند از کوشش در راه آن دست بر می دارند ... و اگر مردم در راه معاش خود نکوشند و دست از پیشه ها بردارند، بازارهای اجتماع و آبادانی بی رونق و احوال متزلزل می شود و مردم در جستجوی درآمد از آن سرزمین رخت بر می بندند و در نواحی دیگر که بیرون از قلمرو فرمانروایی آن ناحیه است، پراکنده می شوند و در نتیجه، جمعیت آن ناحیه کم، و شهرهای آن از سکنه خالی، و شهرهای آن ویران می شود و می کند» (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ج ۳، ۲۵۶)؛ در منابع اسلامی کمک به فقرا یکی از روش های مهم مشارکت شهروندان در توسعه اقتصادی است. قرآن به همه توصیه کرده به فقرا کمک کنند و از

یعنی ایجاد امکانات مساوی برای عموم و تعلق مکتسبات هر فرد به خودش و سلب امتیازات موهوم ظالمانه» (مطهری، ۱۳۶۱، ۵۴).

به باور امام خمینی (ره) «اجرای برنامه های اسلام تفاوت فاحش در درآمد را بین مردم کاهش می دهد و اگر در جامعه اسلامی اختلاف طبقاتی شدید وجود داشته باشد آن جامعه فقط صورت اسلامی دارد و از محتوای اسلامی بی بهره است. البته تعدیل ثروت به مفهوم تساوی افراد در ثروت نیست و این دیدگاه انحرافی از نظر اسلام مردود است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۱، ۱۰۳-۱۰۰). برخی از متفکران اسلامی «توازن اجتماعی را به معنای تعادل افراد جامعه در سطح زندگی و نه در سطح درآمد میدانند به این معنا که مال و سرمایه به اندازه ای در دسترس افراد جامعه باشد که بتوانند متناسب با مقتضیات روز از مزایای زندگی یکسانی بهره مند شوند. گرچه درون این سطح یکسان، درجات گوناگونی وجود خواهد داشت این تفاوت در حد تضاد کلی که در جوامع سرمایه داری وجود دارد، نخواهد بود به اعتقاد این متفکر دولت اسلامی وظیفه دارد توازن اجتماعی به معنای مذکور را به صورت هدفی مهم و اساسی تعقیب کند» (صدر، ۱۳۷۶، ۶۶۹) از منظر فقهی دولت اسلامی در زمینه اقتصادی، در قبال تولید، ایجاد کار و اشتغال، مبارزه با فساد اقتصادی و ممانعت از اختلال در نظم اقتصادی، عدالت اقتصادی، تنظیم بازار و جلوگیری از احتکار مسئولیت داشته و موظف است، در راستای تأمین رفاه شهروندان در تحقق امنیت اجتماعی، شهروندان، عدالت اجتماعی، امنیت غذایی، آموزش شهروندان، ارائه خدمات مناسب و حق بهره مندی از محیط زیست سالم گام بردارد.

کرد؛ و خورشید و ماه را - که با برنامه منظمی در کارند - به تسخیر شما درآورد؛ و شب و روز را (نیز) مسخر شما ساخت؛ و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد؛ و اگر نعمتهای خدا را بشمارید هرگز آنها را شماره نتوانید کرد انسان، ستمگر و ناسپاس است!» (ابراهیم/۳۳-۱۴).

«این نص قرآنی شریف بعد از تأکید بر جانشین کردن خداوند انسان را بر ثروتهای طبیعت و تمام نعمتهای فراوان، خدادادی، به دو نوع انحراف از این مقام جانشینی اشاره می‌کند یک ستم؛ و دوم ناسپاسی ستم به معنای توزیع بد و عدم دسترسی مساوی این نعمت‌ها برای آحاد جامعه است یعنی ستم و ظلم برخی افراد جامعه درباره برخی دیگر و ناسپاسی نعمت به معنای کوتاهی جامعه در بهره برداری بهینه و کامل تمام منابعی که خداوند بدانها بر بشر تفضل کرده است می‌باشد یعنی توقف از ابداع و ابتکار به معنای توقف در سیر به سوی خدای متعال خلاق مبدع مبتکر است و این ستم و ظلم خود جامعه می‌باشد» (صدر، ۱۳۹۰، ۶۴۰)

«بدین ترتیب، مسؤولیت جامعه و تعهد جانشینان خداوند در زمین به صورت یک کل در سطح کلان دو چیز است: (۱) عدالت در توزیع ثروت؛ یعنی در ثروتی که امانت الاهی است تصرفی صورت نگیرد که متعارض با خلافت عمومی جامعه و حقوقش باشد این مسؤولیت جامعه را عدالت اقتصادی گویند؛ (۲) عدالت در حفظ و گسترش ثروت؛ بدین ترتیب که تمام تلاش و استعداد جامعه باید در بهره برداری از طبیعت و آباد کردن زمین و توسعه نعمتها صرف شود. این مسؤولیت جامعه در ادبیات اقتصادی کارایی اقتصاد کلان نامیده می‌شود. نتیجه این تلاش

اموال خود برای بهبود وضعیت اقتصادی افراد ضعیف و فقیر بذل و بخشش نمایند این بخش سبب برکت و آثار نیک می‌گردد. (بقره/۲۶۱). در قرآن زکات به موارد مختلف اعم از اتفاقات به واجب و مستحب اطلاق شده است و نقش آن در توزیع ثروت بر کسی پوشیده نیست خود. این تعدیل موجب توسعه اقتصادی می‌شود و خداوند در آیات متعدد زکات را در کنار نماز قرار داده و پرداخت آن را دلیل بر تقوا شمرده است (وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ) (بقره/۴۳). «زکات می‌تواند تأثیر متقابل بر پس اندازهای خصوصی و سرمایه گذاری داشته باشد. به طور کلی راه جبران درماندگیهای اقتصادی افراد و چالشهای حکومت اسلامی و از همه مهمتر راههای درآمد امام مسلمانها و حکومت خمس و زکات دانسته شده است» (خلیلیان، ۱۳۸۴، ۶۵).

«قرآن کریم و فقه اسلامی بر تمام ثروتهای طبیعی که مسلمانها از کفار به دست می‌آورند نام فیء می‌گذارد و مالکیت عمومی برایش اعتبار می‌کند فیء واژه‌ای است که به معنای برگشت شیء به اصل و مبدأش است. یعنی تمام این ثروتهای عمومی در اصل متعلق به جامعه است و این جانشینی از طرف خداوند تبارک و تعالی به جامعه واگذار شده است. این مسأله افزون بر اثبات حق آنان در ثروتهای طبیعی و خدادادی مسؤولیتها و تکلیفهای را نیز برای آنان ثابت می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۵، ج ۵، ۱۵۳). قرآن کریم به این مسؤولیتها اشاره می‌کند: «خداوند همان کسی است که آسمانها و زمین را آفرید؛ و از آسمان آبی نازل کرد؛ و با آن میوههای گوناگون را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد؛ و کشتیها را مسخر شما گردانید تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند؛ و نهرها را (نیز) مسخر شما

نیست. به عنوان نمونه اگر به لحاظ ساختاری، بخش تعاون به طور مناسب سامان یافته باشد ولی روح تعاون و همکاری در آن بخش نهادینه نشده باشد، نتایجی که از بخش اقتصاد انتظار می‌رود، محقق نخواهد شد. بنابراین ساخت حقوقی نظام اقتصادی باید طوری سامان یابد که عوامل ایجاد و استمرار امور سازنده ساخت حقیقی نظام اقتصادی را نیز در خود نهادینه کند.

۵-۲. مسئولیت دولت‌ها در زمینه توسعه اقتصادی و نقش سازمان‌های غیردولتی در این خصوص از منظر حقوقی

در این قسمت به بررسی مسئولیت دولت‌ها در زمینه توسعه اقتصادی و نقش سازمان‌های غیردولتی در این خصوص از منظر حقوقی پرداخته می‌شود.

۵-۲-۱. مسئولیت دولت‌ها در زمینه توسعه اقتصادی از منظر حقوقی

قانون اساسی و برنامه‌های پنج ساله توسعه از مهمترین منابع حقوقی است که بر مسئولیت دولت در توسعه اقتصادی دلالت دارد. «در اصل سوم طی ۱۶ بند وظایف دولت اسلامی به تفصیل بیان گردیده است. اما از آن جا که در این جا، بررسی اصول اقتصادی مورد نظر می‌باشد وظایف اقتصادی دولت با توضیح بندهای مطرح شده در اصل ۴۳ مورد کنکاش قرار می‌گیرد. بند اول تأمین نیازهای اساسی افراد جامعه را یکی از ضوابط اقتصادی قانون اساسی دانسته برای رسیدن به این هدف، بند نهم افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی را تا حد خودکفایی برای تأمین نیازهای عمومی و رهایی از وابستگی لازم می‌داند قابل توجه است که در این اصل پس

اقتصادی کلان، رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه خواهد بود» (صدر، ۱۳۹۹، ۲۰-۱۵)

ایجاد ظرفیت برای مشارکت مردم در تولید و اقتصاد، دچار آسیب‌هایی همچون نادیده گرفتن عدالت اجتماعی و به تبع آن ایجاد سودهای کلان و بادآورده برای بخشی از جامعه شود و عده‌ای در این میان از مواهب آن محروم بمانند. و ضروری است جهت تحقق مشارکت مردم در جهش تولید به چهار نکته اساسی توجه داشت: نکته اول اینکه مشارکت مردم در تولید نیازمند الگویی عملیاتی، قابل فهم و اعتماد بخش می‌باشد و نباید در این امر انتظار ایثارگری آحاد اجتماعی و عدم توجه جامعه به اصل سود را داشت. نکته دوم اینکه ارایه هر راهکاری باید در چارچوب آموزه‌های اسلامی باشد و از الگوبرداری‌های غیر دینی به شدت اجتناب شود. این مهم ضرورت دارد در سطح حوزه و دانشگاه مورد توجه و موجب تولید راهکارهای بومی شود. نکته سوم اینکه هر الگوی ارایه شده باید دو ویژگی افزایش ثروت ملی و توزیع عادلانه و رفع محرومیت اجتماعی را دارا باشد. به بیان دیگر می‌توان با جرأت بیان کرد هر روش و نسخه اقتصادی که بتواند این دو پایه را تأمین کند، معتبر است و نسخه‌های غیر آن فاقد اعتبار پیاده‌سازی در جامعه اسلامی می‌باشد. در نهایت نکته چهارم اینکه پیش از دعوت مردم به مشارکت در امر تولید، باید ساخت و بنای اقتصادی به گونه‌ای باشد که بتوان از مشارکت مردم استفاده کرد. نظام اقتصادی دارای یک ساخت حقوقی و یک ساخت حقیقی است. در مورد ساخت حقوقی، بیشترین بخشی بیشترین بخشی که موجب تحقق مشارکت مردم در تولید و اقتصاد می‌شود، بخش تعاون است؛ اما ساخت حقوقی بدون ساخت حقیقی مناسب، کارآمد

از ذکر هدفهای سه گانه اقتصادی دو قید ذکر شده است: اول، امکانات اقتصادی برای همه به گونه‌ای فراهم شود که ضمن تلاش برای تأمین این نیازها، آنان از رشد معنوی باز نمانند؛ به این معنا که تأمین نیازهای ضروری به گونه‌ای باشد که به رشد کشور در همه ابعاد کمک کند. دوم، حفظ آزادی به این معنا که در حرکت‌های اقتصادی انسان به شکل ابزار درنیاید؛ زیرا بر اساس مبانی اقتصادی اسلام اقتصاد باید در خدمت انسان باشد نه انسان در خدمت اقتصاد. بنابراین، برنامه ریزی‌ها و فعالیت‌ها باید به گونه‌ای باشد که برای رسیدن به رشد اقتصادی، به انسانیت و شرافت و حیثیت افراد جامعه لطمه‌ای وارد نشود بلکه حفظ و تقویت گردد، است» (خلیلیان، ۱۳۸۷، ۵۶).

«بند نهم، به ضمیمه بندهای هفتم و هشتم از اصل سوم قانون اساسی راههای عملی رسیدن به استقلال اقتصادی را در این موارد می‌داند: ۱. لزوم استفاده از علوم و تربیت نیروهای انسانی متخصص برای توسعه اقتصادی کشور؛ ۲. ممنوعیت هرگونه اسراف و تبذیر در زمینه‌های گوناگون؛ ۳. نفی سلطه اقتصادی بیگانه به هر طریق ممکن. بند اول به انضمام بندهای دوم و چهارم و پنجم، تأمین کننده رفاه نسبی جامعه با حفظ آزادی، عزت و شخصیت فردی و اجتماعی افراد آن می‌باشد و با توجه به بند سوم، می‌بینیم که قانون اساسی، حتی در موارد مربوط به اقتصاد و امور مالی نیز به ابعاد معنوی افراد جامعه برای خودسازی و بالابردن سطح آگاهی و مشارکت آنان در امور سیاسی و اجتماعی توجه دارد. از این رو، تنظیم ساعات کار و محتوای برنامه‌ها باید به گونه‌ای باشد که افراد فرصت رسیدگی به هر دو جهت را داشته باشند. و مهم این که در بند، دوم

تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروهها و هم چنین در دست دولت به گونه‌ای که دولت کارفرمای بزرگ مطلق باشد نفی شده است. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه در جهت تأمین نیازهای زندگی افراد با حفظ شخصیت و آزادی آنان و همچنین رفع فقر و محرومیت از افراد جامعه برای رسیدن به رشد و استقلال اقتصادی می‌باشد» (یزدی، ۱۳۷۵، ۳۲۴-۳۲۳). «مطابق بند دوم اصل سوم قانون اساسی آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی از وظایف دولت است. روشن است که مقصود از برای همه در بند مورد اشاره، همه کسانی می‌باشد که مایل به کار می‌باشند، ولی وسایل و امکانات برایشان فراهم نیست اما کسانی که به دلیل تن پروری یا علل دیگری حاضر به کار نیستند، دولت نیز در مقابل آنان وظیفه‌ای ندارد؛ یا کسانی که از نظر جسمی قادر به کار کردن نیستند باید تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار گیرند و زندگی آنان از بیت‌المال با آبرومندی تأمین گردد. بنابراین، بهتر بود برای رعایت ویژگیهایی که برای قانون اساسی مطلوب در فصل اول بیان گردید به جای جمله مذکور آورده می‌شد دولت موظف است امکانات کار مولد را برای کلیه کسانی که علاقه مند و قادر به انجام آن، هستند فراهم کند» (باهر، ۱۳۵۸، ۱۵).

علاوه بر قانون اساسی در برنامه‌های مختلف توسعه پنج ساله به دفعات به توسعه اقتصادی و مسئولیت دولت در این زمینه پرداخته شده است. به عنوان مثال «راهبرد برنامه اول که به برنامه سازندگی مشهور شد آزادسازی اقتصادی تعیین شد. این برنامه به دنبال آن بود تا با سرمایه گذاری دولتی خسارت های جنگ تحمیلی را

جبران کند و بهره برداری حداکثری را از ظرفیت های موجود در کشور انجام دهد و در نهایت رشد مناسبی را ایجاد کند. ایجاد رشد اقتصادی مثبت، بازسازی زیرساخت های کشور، تامین نیازهای ضروری، بازسازی و راه اندازی ظرفیت های تولیدی و زیربنایی که به علت جنگ متحمل خسارت های بسیاری شده بود از مهمترین اهداف این برنامه بود» (خسروشاهی، ۱۳۸۷، ۶). مهمترین سیاست های مورد توجه این برنامه تقویت پول ملی، کاهش هزینه های دولت، حذف انحصار و کاهش تصدی دولت عنوان شد. این برنامه اگر چه در کاهش نرخ بیکاری و در برخی زمینه های اجتماعی موفق بود اما در زمینه خصوصی سازی و کاهش نقش دولت ناموفق بود و در سال های پایانی برنامه اول، تورم افزایش بسیاری یافت. همچنین برنامه پنج ساله دوم توسعه افزایش بهره وری و کاهش وابستگی را به عنوان مهمترین اهداف اقتصادی خود بیان کرد. برنامه دوم خط مشی هایی همچون تشویق صادرات، توجه به بازارهای مالی، اشتغال زایی، مهار فشارهای معیشتی و اصلاح نظام قیمت ها را در پیش گرفت.

با توجه به اهداف تعیین شده، این برنامه در پایان دوره نتوانست به رشد اقتصادی ۵،۱ که پیش بینی شده بود دست پیدا کند و در زمینه بیکاری نیز موفق عمل نکرد. در برابر، این برنامه توانست نقش بخش خصوصی را در اقتصاد ایران پررنگ تر کند. در حوزه مالی نیز به علت نرخ سالانه ۲۵ درصدی افزایش نقدینگی، نرخ تورم به ۲ برابر نرخ پیش بینی شده ۱۳،۲ درصدی در برنامه افزایش یافت.

برنامه سوم توسعه از سال ۱۳۷۹ آغاز شد و با نگاه اجتماعی - اقتصادی در داخل و سیاست تنش

زدایی در روابط بین الملل اهدافی همچون اصلاح ساختاری اقتصاد و تقویت بخش خصوصی را دنبال می کرد. رویکرد این برنامه، توسعه اقتصاد رقابتی به همراه اصلاحات در زیرساخت های اقتصادی و اجتماعی و تسهیل سرمایه گذاری بود. این برنامه یکسان سازی نرخ ارز، حذف موانع غیر تعرفه ای، تأسیس بانک های خصوصی، ایجاد حساب ذخیره ارزی، اصلاح نظام قیمت ها و نیز حرکت برای حذف یارانه انرژی را مورد تأکید قرار می داد. البته در این برنامه برخی حقوق اجتماعی شهروندان و تقویت فضای سیاسی داخلی نیز به عنوان هدف تعیین شد. برنامه سوم توسعه به نسبت دیگر برنامه های کشور موفق تر عمل کرد و توانست به رشد اقتصادی مناسب بیش از ۶ درصدی در کنار افزایش ۱۰ درصدی سرمایه گذاری دست یابد. ضمن اینکه تورم سالانه به سطح ۱۴،۱ رسید که ۱،۸ کمتر از برآوردهای برنامه بود. البته این برنامه در تسریع روند خصوصی سازی، کاستن از یارانه های انرژی، کاهش مقررات زدایی و برچیدن انحصارها ناکام ماند (قدیری معصوم و نجفی کانی، ۱۳۸۲، ۱۲۱-۱۱۱) برنامه چهارم توسعه از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ در چارچوب سند چشم انداز ۲۰ ساله و ابلاغ سیاست های کلی رهبر انقلاب تهیه و تصویب شد. برنامه چهارم با عنوان «برنامه ی توسعه ی پایدار با رویکرد جهانی» به طور همزمان نگاه به تحولات جهانی و مباحثی همچون جهانی شدن، تقسیم کار بین المللی و همگرایی سیاست ها را دنبال می کرد و از همین رو موجب دگرگونی رویکردهای توسعه ای کشور می شد. توجه به رشد سریع اقتصادی و مقوله هایی همچون پیشرفت های علمی، محیط زیست و آمایش سرزمینی و توازن منطقه ای نیز از نکته های بارز این برنامه بود.

علاوه بر این، برنامه چهارم به توسعه فرهنگی، قضایی و تامین امنیت و تقویت توان دفاعی کشور نیز توجه ویژه‌ی داشت. در پایان برنامه، متوسط رشد کشور از میزان ۷,۴ درصد پیش بینی شده کمتر بود. این برنامه در کنترل بیکاری نیز ناموفق بود و بیکاری از ۱۰,۱ درصد بالاتر رفت و به ۱۲,۷ رسید. نرخ تورم نیز نسبت به پیش‌بینی‌ها بیشتر شد.

اجرای طرح‌ها را به شدت کاهش داده با ابتکار و خلاقیت‌های خود رشد صنعتی علمی و فنی جامعه را در جهت کاهش وابستگی صنعتی و فن‌آوری افزایش می‌دهند. علاوه بر جهات، مذکور مردم ضمن همکاری با دولت داوطلبانه برای تغییر الگوی مصرف که در جامعه ما وابستگی اقتصاد کشور را تشدید می‌کند اقدام می‌کنند و به دولت فرصت می‌دهند تا زمان راه اندازی واحدهای تولیدی واقعی مصرف را به تعویق. اندازد به همین، روال مردم با دقت در استحکام بخشیدن به کارها و افزایش کیفیتها بازدهی کار را افزایش وابستگی را به حداقل می‌رسانند» (رزاقی، ۱۳۷۳، ۳۶).

مطابق ماده ۱۴۵ قانون برنامه توسعه چهارم: «به منظور کاهش حجم تصدیها و افزایش مشارکت مردم در اداره امور کشور و کوچک‌سازی دولت، اقدامهای ذیل انجام می‌شود: الف) توسعه فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، تولیدی و خدماتی، صرفاً از طریق روشهای مذکور در بند ب ماده (۱۳۶) انجام گردد. ب) کاهش سالانه حداقل سه درصد (۳٪) از تصدیهای اجتماعی، فرهنگی، تولیدی، خدماتی و نظایر آن توسط دستگاههای اجرایی ... و اختصاص بخشی از منابع مربوط برای توسعه بخشهای غیردولتی.....»

بر طبق آیین نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمانهای غیر دولتی مصوب ۱۳۸۴، «سازمان های مردم نهاد می‌توانند در حوزه‌های ارائه خدمات امدادی موردنیاز دستگاههای دولتی و عمومی غیردولتی، اظهارنظر و پیشنهاد راهکارهای مناسب، کمک به اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های دستگاههای دولتی و عمومی غیردولتی از طریق توافق و تفاهم با آنها.....فعالیت نمایند».

۵-۲-۲. نقش سازمان های غیردولتی در تحقق مسئولیت دولت‌ها در زمینه توسعه اقتصادی از منظر حقوقی

«قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق مشارکت، همگانی عرصه‌هایی در نظر گرفته است. این عرصه‌ها با توجه به جامعیت انسان و نیازهای گوناگون او تعیین گشته است. یکی از این عرصه‌ها در زمینه فعالیتهای اقتصادی است. از آن جا که مسائل اقتصادی به طور مستقیم با زندگی مردم مرتبط است و محور توسعه نیز انسان و هدف آن رشد انسان است بنابراین ضرورت می‌یابد که مردم حاکم بر سرنوشت خویش تعیین کننده اهداف توسعه و مجری اصلی آن باشند. بر این اساس، مهم‌ترین رکن توسعه مردمند» (جهانیان، ۱۳۸۹، ۷۳)؛ «زیرا مشارکت مردم در امور صرفاً یک مسأله سیاسی و اجتماعی نیست بلکه مشارکت آنان در امور به یک ضرورت تام اقتصادی نیز بدل شده است. مردم با مشارکت خود در اداره امور علاوه بر جلوگیری از انحراف احتمالی به دلیل تمرکز زیاد قدرت در دست بخش دولتی و ممانعت از فساد برخی مسؤولان و مأموران دولتی، سلامت حرکت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی نظام را تأمین می‌کنند علاوه بر این با مشارکت در توسعه اقتصادی دولت به روش جهادی و بسیجی هزینه

در بند «و» ماده ۹۸ برنامه توسعه چهارم «تدوین طرح جامع مشارکت و نظارت مردم، سازمانها، نهادهای غیردولتی و شوراهای اسلامی، در توسعه پایدار کشور و فراهم کردن امکان گسترش کمی و کیفی نهادهای مدنی، با اعمال سیاستهای تشویقی» مورد تأکید قرار گرفته است.

دستیابی به تمامی اهداف اقتصاد سبز یک نوع وفاق ملی در سطح دولت و حاکمیت، سازمانهای مردم‌نهاد و مردم را طلب می‌کند. به عبارت دیگر دستیابی توسعه پایدار از عهده یک بخش از جامعه خارج است. در این میان نقش سازمانهای مردم‌نهاد روز به روز در حال افزایش است. سازمانهای غیردولتی دارای شخصیت حقوقی مستقل، غیرانتفاعی و غیرسیاسی هستند که برای انجام فعالیت داوطلبانه با گرایش فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، بشردوستانه و بر اساس قانونمندی و اساسنامه مدون، رعایت چارچوب قوانین موضوعه کشور و مفاد آیین‌نامه‌های اجرائی آن فعالیت می‌کنند. به‌طور نمونه در سطح بین‌المللی، پیمان جهانی عدم سوزاندن زباله و ضایعات با هدف پیدا کردن راه‌های جایگزین سوزاندن ضایعات و زباله‌ها در جهان شکل گرفته است. پیمان مذکور، یک ائتلاف بین‌المللی است که بیش از ۶۵۰ گروه مردمی، سازمانهای غیردولتی و افراد در بیش از ۹۰ کشور جهان در آن عضو هستند که همگی برای هدف جهانی مشخصی یعنی دنیایی بدون سم حاصل از سوزاندن ضایعات و زباله‌ها دور هم جمع شده‌اند. این گروه در سطح جهان از طریق اعضای خود در حال توقف استفاده از کوره‌های زباله‌سوز و ترویج روش جایگزینی برای آن هستند. برای این منظور یک جنبش قدرتمند مردمی را شکل داده و در سراسر جهان ساماندهی

همچنین بر اساس ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمانهای غیر دولتی: «سازمانهای دولتی مکلفند زمینه مشارکت سازمان در نظارت بر حسن اجرای امور عمومی را فراهم نموده و حسب مورد با هیأت‌های حقیقت یاب آنها همکاری نمایند».

این قوانین به سازمان‌های مردم‌نهاد اجازه می‌دهد تا طیف وسیعی از فعالیت‌ها را صورت دهند: در حوزه‌های مختلف به سازمان‌های دولتی مشاوره دهند، در مورد مسائل مختلف اظهار نظر کرده و اطلاع‌رسانی نمایند، اجتماعاتی را تشکیل داده و در مورد مسائل و مشکلات مباحثی را در سطح عمومی جامعه طرح نمایند، نشریه منتشر کرده یا تارنما تأسیس نمایند و حتی در مسائل مختلف، حق شکایت و دادخواهی دارند و می‌توانند در صورتی که تخلفی را مشاهده نمایند، به مراجع قضایی مراجعه نمایند.

نکته مهم اینکه توسعه اقتصادی در دهه‌های اخیر به سمت توسعه پایدار و توسعه سبز تغییر معنا داده است. همین امر فرصت بیشتری برای نقش آفرینی سازمانهای غیردولتی در توسعه سبز و پایدار فراهم‌آورده است. توجه به شاخص‌های رفاه بشری، عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری، افزایش کیفیت زندگی، توسعه اجتماعی، دسترسی عادلانه و پرداختن به نیازهای زنان و جوانان، رشد درآمد و اشتغال، سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و عمومی، کاهش خطرات زیست‌محیطی و کمیابی آن، کاهش کربن، کارایی منابع و منابع کارآمد، کاهش انتشار کربن و آلودگی، افزایش بهره‌وری انرژی و منابع، جلوگیری از نابودی تنوع زیستی و اکوسیستم و مسئولیت‌پذیری در قبال محیط زیست از جمله موضوعات تأکیدشده در اقتصاد سبز است (شیراسب، ۱۳۸۲، ۸۸).

اجتماعی را سرعت می‌بخشند. این سازمان‌ها می‌توانند منشأ خلاقیت نوآوری و آزمودن رویکردهای نوین در قبال مسائل توسعه باشند. سازمان‌های غیردولتی همچنین نقشی اساسی در دریافت و انعکاس بازخوردها درباره رویکردها، سیاست‌ها و برنامه ریزی‌ها دارند. در جامعه‌ی خواهان توسعه پایدار نمی‌توان فعالیت سازمانهای غیردولتی را نادیده گرفت و به همین دلیل باید بسترهای مطلوبی برای فعالیت این سازمانها فراهم شود تا بتوان به سوی توسعه پایدار گام برداشت. سازمان‌های غیردولتی در مورد پروژه‌هایی که دولتها در دست دارد و گاه نیمه کاره رها می‌شوند می‌توانند به عنوان یک تسهیل کننده عمل کرده و با جلب مشارکت مردمی و جذب سرمایه‌های کوچک و هدایت آنها علاوه بر ایجاد تفاهم، اجتماعی اجرای پروژه‌های محلی و ملی و امثال آن را تسریع کنند.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت مساوی در تهیه این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

کرده‌اند. این گروه تاکنون فعالیت ۲۵ کوره را در کشورهای مختلف متوقف کرده‌اند. در آرژانتین، این گروه کمک کرده تا در بوئنوس آیرس، یکی از بزرگترین شهرستان‌ها در جهان، قوانین مرتبط با زباله صفر اجرا شود که این قوانین شامل قواعد مربوط به تعاونی جمع‌کننده زباله، ترویج سلامت و پایداری است، درحالی‌که حفاظت معیشت بازیافت رسمی افراد، مهیا شود.

۶. نتیجه

در فقه دولت مسئولیت توسعه اقتصادی را با مشارکت مردم بر عهده دارد؛ اما از آنجا که سازمان‌های غیردولتی از دستاوردهای عصر جدید است می‌توان رویکرد مثبت منابع فقهی به مشارکت مردم در توسعه اقتصادی را به دیدگاه مثبت فقه در خصوص اهمیت نقش سازمانهای مردن نهاد تعبیر و تفسیر کرد. از منظر حقوقی نیز بادی گفت که در قانون اساسی بر مشارکت مردم در روند توسعه اقتصادی تأکید شده است؛ اما به صراحت صحبتی از سازمان‌های غیردولتی و نقش این سازمان‌ها در توسعه اقتصادی سخنی به میان نیامده است. با این حال واضح و مبرهن است که مشارکت مردم می‌تواند در قالب سازمان‌های غیردولتی انجام پذیرد. نکته مهمی که می‌توان درباره اهمیت مشارکت مردم در سازمانهای غیر دولتی و کارکردهای مهم آن گفت این است که مشارکت، موجب افزایش و ارتقای سطح آگاهی اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر این مشارکت اجتماعی شدن و فرهنگ پذیری افراد را به دنبال دارد و تمرینی برای کار گروهی و زندگی جمعی همراه با آزادی و دموکراسی است. سازمان‌های غیر دولتی در سطح عام نیروهای مهمی برای دموکراتیزه کردن و تقویت نهادهای جامعه مدنی محسوب می‌شوند و تغییرات

منابع

منابع فارسی

- چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
- شیراسب، راحله، «خدمات شهری در گروه جلب مشارکت مردمی»، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره سوم، ۱۳۸۲.
- صدر، سید محمدباقر، صوره عن اقتصاد المجتمع الاسلامی، چاپ سوم، قم، انتشارات خیام، ۱۳۹۹.
- صدر، سیدمحمدباقر، اقتصادنا، چاپ دوم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۵.
- صدیق اورعی، غلامرضا، «اسلام و توسعه‌ی اقتصادی»، تهران، سمینار ملی فرهنگ و توسعه، ۱۳۹۰.
- العسل، ابراهیم، توسعه در اسلام، ترجمه عباس عرب‌مازار، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
- قدیری معصوم، مجتبی و نجفی‌کانی، علی‌اکبر، «برنامه‌های توسعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تاثیر آن بر نواحی روستایی»، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره پنجم، بهار ۱۳۸۲.
- کدیور، محسن، نظریه‌های دولت در فقه شیعه، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶.
- یور، فدربیکو، «شهرهای آینده و آینده نوع بشری»، نشریه پیام بوسسنکو، شماره سیصد و شانزده، ۱۳۷۶.
- مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، چاپ دوم، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۱.
- باهر، حسین، نقد و بررسی اصول اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات انجمن خدمات اسلامی، ۱۳۵۸.
- جهانیان، رمضان، «توسعه مشارکت دانشجویان در دانشگاه»، مجله پژوهش‌های مدیریت، شماره هشتاد و چهار، ۱۳۸۹.
- خسروشاهی، پرویز، «ارزیابی عملکرد برنامه‌های توسعه‌ای»، تهران، ارائه شده در اولین همایش منطقه‌ای دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، ۱۳۸۷.
- خلیلیان، محمد جمال، اسلام و توسعه، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، ۱۳۸۴.
- خلیلیان، محمد جمال، اصول اقتصادی قانون اساسی با نگاهی به توسعه پایدار، چاپ دوم، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۸۷.
- رزاقی، ابراهیم، الگویی برای توسعه اقتصادی ایران، چاپ دوم، تهران، نشر توسعه، ۱۳۷۳.
- شاپرا، محمد، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ترجمه محمدجواد مهدوی،

- موسوی‌خمینی، سیدروح اله، صحیفه نور، جلد سوم- هفتم و یازدهم، چاپ چهارم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.
- یزدی، محمد، قانون اساسی برای همه، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.

منابع عربی

- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد سوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، چاپ پنجم، قم، نشر آل علی (ع)، ۱۳۸۲.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، جلد اول، چاپ دوم، بیروت، دارالفکر، ۱۳۸۰/۱۴۲۲.
- بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار، جلد دوم، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، جلد دوازدهم، چاپ نهم، بیروت، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹.
- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، تصحیح صالح صبحی، چاپ ششم، قم، نشر هجرت، ۱۴۱۴.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، جلد اول، چاپ هشتم، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۴.

